

دینی حفظ صحتست تا بدین جنبه که نفس استعداد و اوقات
حاصل کند بماند پس اگر اهل علم باشد تربیتی که مذکور شد
او را تعلیم علوم نمایند و اگر اهل صناعات باشد بعد از آنکه
از ادب و اجبه شرعی فارغ شدن باشد بتعلیم آن مشغول
سازند و اولی آنست که در طبیعت که در نظر کنند و از اجزای
او تفرس نمایند که استعداد کدام علم و صناعت بیشتر دارد
او را بان مشغول دارند و در مقتضای کل میسر لا غفلت
سرگراست استعداد هر صناعت نیست بلکه سرگراست استعداد
صناعتی خاص است و در تحت این تربیت غامض که سبب
قوام عالم و انتظام احوال نبی اوم است و حکمای سابق در
طالع مولود نظر میکرده اند و او را بهر صناعتی که بحسب اوضاع
بجوی لایق حال میدیده اند مشغول میساخته اند هرگز که
استعد صناعتی باشد باندک سعی تکمیل آن تواند کرد و چون
غیر مستعد باشد سعی او در آن بتعطیل روز کار و تضعیف اعمال
باشد و اگر طبعش ملایم صناعتی نباشد و اوقات و ادوات

س

مساعده و ایمان تکلف سازند و بصناعتی دیگر نقل کنند بشرط
آنکه او را تربیت بران مایس کلی حاصل شده باشد تا موجب
اضطراب نشود و در اثنای هر فن ریاضتی لایق که تحریک برآرد
غریزی کند و در حفظ صحت و نفع کمال و بلاوت باشد عادت
نمایند و چون صناعتی بیاموزد بکسب هر چه معیشت از آن
امرش کنند تا چون حلاوت آن بریابد در تکمیل آن کوشند و در
دقایق آن صنعت سبقت گیرند و نیز بر تقیض از کسب حمل
که شیره احراز است عادت کنند و برزقی که از پدر یا ورسند
اعمال نماید هر اگر اولاد اغنیاء که ثروت پدران مغرور بود از
تعلیم صناعات محروم شدند و بعد از نقل روزگار در غریبه
صناعات افتاده اند و چون در کتاب و تبتیش مان مستقل شده
اولی آنست که او را متاهل سازند و حاصل او را جدا کنند و بگو
فرس فرزند از در میان خدم و حشم تربیت نکرند و بگو بافتا
بطرف میفرستادندی تا بختوت عیش عادت کردندی و عادت
رؤسای بی علم همین بوده و کسی که بعضی این طریق نشو نمایافته باشد